

**آثار جعفری: رساله‌ای در ذکر اسامی نام‌های جغرافیایی
منطقه فارس، بوشهر و خلیج فارس**

دکتر احمد شعبانی
استادیار گروه کتابداری و اطلاع‌رسانی
دانشگاه اصفهان

چکیده

حاج میرزا محمدجعفر حسینی خوروجی از مورخین معروف اواسط دوره قاجاری مقارن عصر دوره ناصری می‌باشد، که آوازه‌اش در تصنیف تاریخ محلی جنوب و ایام قاجار چهره‌ای معتبر را برای وی به ارمغان آورده است. از حاج میرزا محمدجعفر خوروجی چند اثر به‌جای مانده که از همه معروف‌تر آثار جعفری، حقایق الاخبار ناصری، و نزهه الاخبار می‌باشد. از منظر نگارش تاریخ، محمدجعفر دارای شهادتی قابل توجه بود و به واقع حوادث دوره عصر خود را تا حدودی با صحت بیشتری نگاشت به نحوی که مورد غضب پادشاه و دیوانیان عصر خویش واقع شد.

از دیدگاه علمی، آثار جعفری نوعی فارسنامه محسوب می‌شود که ضمن بیان تاریخ فارس به تقسیم‌بندی دقیقی در خصوص ذکر بلوکات و قراء این منطقه با تقسیم‌بندی دقیق و ضبط نام‌های اماکن و قراء این حدود و مبادرت کرده است. مقاله حاضر با بیان شرح احوال خوروجی به گزارشی از این تقسیمات جغرافیایی اهتمام آورده است.

مقدمه

محمدجعفر الحسینی خوروجی از مورخین معروف اواسط دوره قاجار است که آوازه‌اش در تصنیف تاریخ محلی جنوب و ایام قاجار، چهره‌ای گزیده را برای وی به ارمغان آورده است. تقریباً تمام سرگذشت نامه‌ها، شروح احوال و فارسنامه‌ها، از حسینی خوروجی سخن رانده که به منظور مزید اطلاع، شرحی مختصر از بیان احوال این مورخ با حالات و احساساتش را درج می‌کنیم.

شرح احوال

حاجی میرزا حسن فسایی در *فارسنامه ناصری* نسب صاحب *احوال خوروجی* را چنین درج کرده است: «جعفرخان پسر میرزا محمدخان خوروجی، پسر میرزا ابوالحسن خان مورجی، پسر میرزا محمدبیگ خوروجی،...»^(۱) «همو متذکر است: «که تمامی این اشخاص متوطن قریه خورموج بوده، به ضابطی و کلاتری این ناحیه برقرار بودند».^(۲) در کنجکاوای این شرح از زندگی حسینی خوروجی، وی تلخی چشمگیر حادثه‌ای را توضیح داده که مسیر حیات صاحب احوال را دگرگون کرده است: «در سال هزار و دویست و پنجاه و هشت، حاجی خان حاکم نواحی دشتی به قهر و غلبه، قلعه خورموج را تصرف نمود و حاجی میرزا جعفرخان فرار کرده، مدتی در ناحیه تنگستان بماند، پس به شیراز

آمده توقف نمود و با بزرگان مراوده کرده، در زمره آنها محسوب گردید و در سال شصت و دو به امارت دیوانخانه عدلیه شیراز سرافراز آمد با اهل کمال مجالست نموده.^(۳)

بعدها این گفتار موجود در *فارسنامه ناصری* به غالب آثار رخنه جست و جهات کمال جعفرخان به حادثه مشئوم مهاجرتش به شیراز نسب داده شد. لیکن در توصیف آن شکست، مؤلف با روحی تعالی بخش چنین می گوید:

«این بنده تا سنه هزار و دویست و شصت که سی و پنج سال از عمر کثیرالاختلال گذشته بود، طریقه انا وجدنا آبائنا علی امه و انا علی آثار هم مهتدون را پیمود، چون به جز از کثرت زحمات و تضییع ایام حیات فایده ندید، قطع علاقه و مهاجرت را لازم دید، لاجرم طریق مسافرت پیمود و در دارالعلم شیراز توطن و اقامت نمود.»^(۴)

آن چنانکه از این سخن آشکار است، جنبه های روحی میرزا جعفرخان وی را از حراست ضابطی خورموج گسسته و تبلور تألمات احساسات خود را با این بیان به رستگاری پیوند می بخشد:

«چون روزگار شباب در جهل و بطالت به سر رسید و نقد زندگانی که سرمایه سعادت جاودانی بود، تلف گردید از اکتساب اخروی بی بهره و از تحصیل مشتهیات دنیوی محروم گشت، امارات شیب و علامات شیخوخیت و آثار ارتحال آشکار و اثری به یادگار نماند، حسرت و تأسف بی فایده بود.»^(۵)

سپس میرزا جعفرخان در سال ۱۲۷۶ قمری به عزم تهران، موطن خود، دارالعلم را ترک کرد و ناصرالدین شاه، او را وادار به نوشتن تاریخ دوره سلطنت خویش که خالی از تصنیفات منشیانه و تملقات معموله و متداوله باشد، نمود و او نیز این کار را کرد و نام تاریخ خود را *حقایق الاخبار* گذاشت. در واپس این متن، سخنی از «ذکر حالت این بنده شرمنده» را چنین آورده است:

«پس از ورود به طهران مدتی از امناء دولت ابد بنیان عنایت و احسان دید، چون در اوایل سال ریاست کلیه دربار گیتی مدار، که در حقیقت صدارت است، به سپهسالار وزیر جنگ محول و مرجوع شده بود، چون عدم استطاعت و کفایت ترویج این شغل خطیر از مشارالیه ظاهر گردید، سال و ریاست به آخر رسید، سپهسالار به وزارت خراسان مأمور گردید. سردار کل از آذربایجان به دربار سپهر اقتدار احضار و به وزارت جنگ برقرار شد. چون در هنگام توقف فارس با این بنده عنایتی داشتند، علی هذا مصلحت چنان دیدند، که نسخه موجوده تاریخ از نظر مهر اثر خدیوانه گذشته آید.»^(۶)

پس از اتمام اثر مذکور، حاجی محمد جعفر به بسط مقالات کتابی دیگر تحت عنوان *نزهه الاخبار* در ۱۲۹۸ هـ. ق. اهتمام می آورد. او که برحسب گفته خویش در ۱۲۲۵ هیأت های - ق. ولادت یافته، به گزارش سیدمحمد نصیر حسینی در سنه یک هزار و سی صد و یک وفات یافت.^(۷)

شرح آثار

از حاجی میرزا جعفرخان به نحو قطعی و صورتی منجز، سه اثر در دست است که رقیمه و صورت مسوده این آثار در طول نیمه دوم قرن سیزدهم هجری قمری و به نحو دقیق تر از ۱۲۷۶ هـ. ق. تا

۱۲۹۸ هـ.ق. طبع و به رشته تحریر آمده، که شرح آثار جعفری، حقایق الاخبار، و نزهه الاخبار به این قرار است.

الف. آثار جعفری آن چنانکه آشکار است این متن، از فارسنامه‌های مهم معاصر است که در ۱۲۷۶ هـ.ق. به صورت سنگی و به خط میرزا آقا کمره‌ای به طبع آمده و آن چنانکه عباس اقبال آشتیانی نوشته در مدت اقامت خویش «آثار جعفری را در تاریخ و جغرافیای فارس نوشت»^(۸) کتاب مشتمل بر دو بخش است، نخست در باره فارس است که ۲۰۶ صفحه متن سنگی را در بردارد و بقیه به جغرافیای جهان تعلق داشته که بخش موجزتر این اثر می‌باشد و تا صفحه ۳۹۶ متن چاپی ادامه دارد.

توصیف بخش اول را که سیاهه قابل اعتبار است، بر این قرار می‌باشد: ذکر مزیت این کشور و احادیث مأثوره از حضرت خیرالبشر، ذکر مملکت فارس، در ذکر ابنیه قدیمه و عمارات عالیات این شهر، ذکر سلاطین و حکام این مملکت، ذکر بعضی از وزراء عظام و علماء اعلام و مشایخ کرام و شعراء عالی مقام این دیار، ذکر بلوکات و قراء این دیار.

اهمیت بسیار عمده این سیاهه به ارجاع اهم میرزا جعفرخان در ذکر جزایر خلیج فارس در ذیل ممالک فارس و به ویژه بخش‌های جنوبی باز می‌گردد که در «ذکر خلیج‌العجم و جزایر واقعه در این یم» و بیان حالات جزیره بحرین و ابوموسی است که از نظر اجتماعی و سیاسی مورد استناد ایران دوستان بوده و می‌باشد.

ب. حقایق الاخبار ناصری آنچه از ظاهر امر مشهود است و آشکار بوده، اهتمام میرزا جعفرخان در نگارش این اثر به فرمان ناصرالدین شاه در ترسیم حالات و حیات سیاسی و اجتماعی حکومت آن پادشاه است و به نحوی که از تورق متن چاپی به اهتمام حسین خدیوچم مشخص است، کتاب در دو جلد مجزا به رشته تحریر آمده، جلد نخست که تا صفحه ۲۷۴ تداوم داشته و از سال جلوس آقا محمدخان و اعقاب ناصرالدین شاه را به تعجیل در برداشته و سپس اخبار سال ۱۲۶۵ تا ۱۲۷۷ هـ.ق. را به تفکیک آورده است. بخش دوم از اخبار سنه ۱۲۷۸ تا ۱۲۸۰ هجری قمری است که تا صفحه ۳۱۷ متن چاپی را در بردارد. اما آنچنانکه از یادداشت مؤلف عیان است، متن را در «سال هزار و دویست و هشتاد و چهار ... که اردوی همایون تشریف فرمای ساحت خراسان است»^(۹) به اتمام آورده است. توصیف موجز این اثر عبارت است از: تاریخچه ایل قاجار، اخبار محمدحسن خان قاجار، اخبار آقا محمدخان قاجار، اخبار فتح‌علی شاه قاجار، اخبار محمدشاه قاجار، اخبار جلوس خراسان، قتل میرزا علی محمد باب. اخبار سال ۱۲۶۵ هـ.ق. فتح قلعه طبرسی و قلع بابیه، فتنه خراسان، قتل میرزا علی محمد باب. اخبار سال ۱۲۶۶ هـ.ق. انتظام لرستان و خوزستان اخبار سال ۱۲۶۷ هـ.ق. سفر ناصرالدین شاه به اصفهان و عراق. اخبار سال ۱۲۶۸ هـ.ق. و ماجرای قتل امیرکبیر، اخبار سال ۱۲۶۹ هـ.ق. سفر ناصرالدین شاه به چمن سلطانیه. اخبار سال ۱۲۷۰ هـ.ق. و ماجرای بندرعباس، اخبار سال ۱۲۷۱ هـ.ق. عهدنامه ایران و فرانسه. اخبار سال ۱۲۷۲ هـ.ق. تعهدنامه حاکم بندرعباس، اخبار اختلال امور خراسان. اخبار سال ۱۲۷۳ هـ.ق. فتح هرات. تجاوز انگلیسی‌ها به خلیج فارس. توصیف جماعت تنگستانی. اخبار سال ۱۲۷۴ هـ.ق. اخبار سال ۱۲۷۵ هـ.ق.

تعیین وزرای دهگانه. اخبار سال ۱۲۷۶ هـ.ق. اخبار سال ۱۲۷۷ هـ.ق. پیروزی ترکمانان، اخبار سال ۱۲۷۸ هـ.ق. مجملی از وقایع خراسان و فارس. اخبار سال ۱۲۷۹ هـ.ق. اخبار سال ۱۲۸۰ هـ.ق. اهمیت این متن به نگارش واقع گرا یانه مصنف و ذکر شهادت میرزاتقی خان امیرکبیر به انضمام شرحی از زندگی، اخبار جزئیات بلاد و حوادث هرات باز می‌گردد.

ج. نزهه الاخبار. که واپسین اثر حاجی محمدجعفر بوده و نسخه‌ای خطی از آن در دسترس است و به واقع جمع‌بندی اثر نخستین وی می‌باشد. این اثر به سنه ۱۲۹۸ هـ.ق. به رشته تحریر درآمده است و اخیراً به زیور طبع آراسته شده است.

لقب میرزا جعفر خان

میرزا جعفرخان در متن کتاب *حقایق/اخبار ناصری* از لقب خویش با عنوان حقایق نگار در وجهی مفاخرت آمیز در خطبه‌های جلد اول و جلد دوم یاد کرده و می‌گوید: «حقایق‌نگاری کن نه طریق تملق سپاری، اگر چه با عدم بضاعت از قواعد عربیت و وجود تحریرات اکابر معاصر از این کارانگار بل انکار لازم بود»^(۱۰) در این باب یکی از دوستان وی، میرزا ایمن کرمانی چنین سروده است:

وز آن رو «حقایق نگار»ش سرود	که افزون و کم در کتابش نبود
ولی چون وقایع همه راست شد	سخن بی‌فزونی و بی‌کاست شد ^(۱۱)

شهامت میرزا جعفرخان

آنچه که از حالات و اطوار روحی میرزا جعفرخان حسینی خورموجی مشهود است، ضبط و رویارویی با حقایق اجتماعی در طول زندگی بوده که به جد چند صحنه عمده حیات وی را تحت تأثیر قرار داده است. نخست مهاجرت صاحب احوال به شیراز و دست شستن از حکومت خورموج بود که خود آن را «کثرت زحمات و تضییع ایام حیات» در سنه ۱۲۶۰ هـ.ق. نامید.

دو دیگر منصب امارت دیوانخانه عدلیه در فارس بود که آن را در ۱۲۶۲ هـ.ق. صاحب شد و در همین اوان بود که به علم تاریخ روی آورد و سرآمد اقران گردید و بالاخره ارجاع نگارش *حقایق/اخبار ناصری* به این مورخ است که از سوی پادشاه بر سبیل اتفاق به وی واگذار می‌شود. رویارویی خورموجی با تمام احوال همایونی در چنین کلامی نهفته است:

«لهذا شرفیابی حضور مبارک و گذرانیدن نسخه تاریخ به حضور همایون، به توسط امین‌الملک، وقتی خاص مشخص گردید... از اظهار عنایت بی‌شمار، والطف سرشار، کمال افتخار حاصل گشت، دو سه فقره عرض و استدعا که داشت، به طریق فهرست ملحوظ نظر انور افتاد، به درجه اجابت رسید»^(۱۲)

حتی این گونه بیان می‌توانست شهامت خورموجی را در دوره‌ای که سنوات استبدادی پهنه ایران زمین را در برداشت، تحت تأثیر قرار دهد و مگر نه نثر خورموجی در دو اثر متوالی خود یعنی *از آثار*

جعفری تا حقایق/الخبار ناصری به یک باره سیر ترقی و پیشرفت را وانهاد تا حقایق تاریخی را در تهران به نحو مستتر و پنهان به صورتی مصنوع بیان کند. لیکن دست غدار زمانه و بدگویان از این مورخ راست گفتار در بیان میرزا ایمن کرمانی چنین ترسیم شده است:

گروهی ز خدام شاه جهان	به شنعت گشادند بر وی زبان
فتوت نکردند در کار او	نجستند گرمی بازار او
مؤید نگشتش چو تأیید کس	قلم از نوشتن همی کرد بس
فراغت گزید و به کنجی نشست	در از این و آن بر رخ خویش بست ^(۱۳)

نمونه‌ای از دو قطعه نثر میرزا جعفر خان

آن چنان که به نحو مختصر اشاره شد، حسینی خورموجی آثار جعفری را با نثری نسبتاً ساده به رشته تحریر آورده و متقابلاً حقایق/الخبار ناصری را براساس تحریری مصنوع و تکلف مآبانه نوشته است. بر این قرار دو قطعه کوتاه از این کتاب جهت وقوف اطلاع ذکر می‌شود.

الف. قطعه‌ای از آثار جعفری (در ذکر حوادث قرن هشتم هجری قمری در فارس):

«امیر مبارزالدین محمد بن مظفر صاحب تاج و افسر گشت، شوکت و عظمت تمام یافت. در مدت پنج سال از ملک فارس به عزم تسخیر ممالک عراق و لرستان و آذربایجان می‌شتافت، در امر به معروف و نهی منکر رفع رسوم فسق و فجور به مثابه‌ای جد و اجتهاد می‌نمود که ظرفاء از وی به محتسب شیراز تعبیر می‌کردند. با این احوال سفاک و قتال بود و خود مباشر قتل شدی»^(۱۴)

ب. قطعه‌ای از حقایق/الخبار ناصری (ذکر حقایق اخبار سال ۱۲۶۸ هـ ق و روزگار میرزا تقی خان اتابک اعظم):

«چون قائم مقام در ناصیه میرزاتقی خان آثار رشد و شمایل شهامتی تفرس کرد، آن را در عداد نویسندگان خویش محدود نمود و از آن پس چندی در سلک محررین محمدخان زنگنه امیر نظام منسلک گردید؛ به سبب جوهر ذاتی و کاردانی به اندک مدت از امثال و اقران خویش قصب‌السبق ربوده به مناصب بزرگ رسید»^(۱۵).

فرزندان میرزا جعفر خان

از محمد جعفرخان خورموجی چهار اولاد ذکور به جای ماند که از قرار «همه در مبادی زندگانی و عنفوان جوانی به کمالات لایقه آراسته» شدند. میرزا علی خان حقایق نگار که در شعر و تاریخ هنری والا داشت و لقب ولی را نیز اخذ کرد. میرزا ابوالحسن خان که به علاوه کمالات متعدد به زبان انگلیسی سلطه یافت، میرزا محمود خان و میرزا محمدخان. از میرزا علی خان، غزلی نیکو توسط فرصت شیرازی ضبط است. طرفه آنکه تخلص وی «حقایق» بوده است:

جان و دل گفتند دلبر قیمت یک بوس کرد
هر دو را من دادمش لیکن مرا مأیوس کرد
تا کند شاهین صفت مرغ دل ما را شکار
هر زمان در پیش چشمم جلوه طاووس کرد
دل مگر زنار گیسویش به دوش افتاده دید
کز سر شب تا سحرگاه ناله چون ناقوس کرد
گفتمش دیوانه گشتم از غمت، خندید و گفت:
چند وقتی باید ای مجنون تو را محبوس کرد
درد عاشق را همی دلدار می‌سازد دوا
این مداوا کی توان در نزد جالینوس کرد^(۱۶)

فرزند ثانی میرزا جعفرخان، موسوم به میرزا ابوالحسن خان نام داشته که «بانکی» لقب وی بود. مهدی بامداد در شرح حال رجال ایران حکایت می‌کند که میرزا ابوالحسن خان بانکی به نمایندگی دوره اول مجلس شورای ملی رسید و صاحب فرزندی بود که میرزا اسمعیل خان نام داشت و رییس انبار غله شد و در سال ۱۳۳۵ هـ.ق. به دستور کمیته مجازات و به توسط کریم دواتگر کشته شد.^(۱۷)

در توصیف رساله آثار جعفری و ذکر بلوکات و قراء این دیار

آثار جعفری از فارسنامه‌های مختصر و موجز دوره‌های اخیر محسوب می‌شود که به واقع حاوی چند بخش می‌باشد این موارد عبارت است از: ذکر مملکت فارس - ذکر ابنیه قدیمه و ادارات عالیات این شهر - ذکر سلاطین و حکام این مملکت - ذکر علماء اعلام - ذکر مشایخ کرام - ذکر شعرا عالی مقدار - ذکر بلوکات و قراء این دیار - ذکر خلیج‌العجم و جزایر واقعه در این‌یم.

در بخش جغرافیایی اثر، حاج محمد حسین تقسیم‌بندی دقیقی از بلوکات مناطق فارس و حاشیه خلیج‌العجم ارائه داده، قراء مشتمل بر هر بلوک را نوشته و از وضعیت جغرافیایی مناطق مزبور به نحو کوتاهی سخن رانده است. در این بخش مؤلف با درج نام‌های مرسوم در متن و مقایسه آن با منابع بر مراجع جغرافیایی سعی داشته منبعی قابل را برای خوانندگان ارائه نماید. این بخش از اثر حدود نیمی از کتاب را مشتمل بوده و حاوی ۵۹ بلوک در منطقه فارس بوده و ذکر قراء و جزایر خلیج‌العجم به نحو مجزا صورت یافته است. در این بخش به ذکر بلوکات به نحو کامل و قراء به نحو مختصر از متن مورد تصحیح اشاره می‌شود.

فهرست بلوکات و قراء این دیار

[۱] آباده و اقلید

۱. سرمق ۲. چنار ۳. ادريس آباد ۴. صغاد ۵. شولکستان ۶. کوشک وزیرآباد ۷. حسین آباد ۸. اقلید ۹. ده بالا ۱۰ چالیان ۱۱. فیض آباد ۱۲. دوق^۱ و غیره

[۲] ابوشهر و مضافات

۱. بندر ابوشهر ۲. ریشهر ۳. حلیله^۲ ۴. علی چنگی ۵. تل سیاه ۶. چاه کوتاه ۷. احمدی ۸. حسینکی ۹. هفت جوش ۱۰. حیدری ۱۱. همه شاهی^۳ ۱۲. زردکی و غیره

[۳] اسیر و علاء مروودشت

۱. اسیر ۲. دارالمیزان^۴ ۳. سرگاه ۴. علاء مروودشت ۵. شلدان ۶. خشتی ۷. درامان ۸. بلیلی ۹. ده کهنه ۱۰. ملائی ۱۱. روکی ۱۲. خلیلی

[۴] ابرج

۱. دشتک ۲. شهرک ۳. درود زن ۴. گل میان ۲.

[۵] افزز

۱. سرغل آباد ۲. مظفری ۳. مرد^۵ ۴. منگنو ۵. شرف خلیل ۶. کردیل ۷. تنگ کله ۸. زاخرو ۹. نیم ده ۱۰ شهاب آباد

[۶] اربعه

۱. رودبال ۲. علیا ۳. سفلی ۴. هنجام ۵. ابادرم ۶. ده دویه

[۷] اصطهبانات

۱. اصطهبانات ۲. خیر ۳. ایج ۴. خانه گرد

:	-
:	-
:	-
:	-
:	-

[۱] اهرم

۱. اهرم ۲. عمار ۳. بنیان ۴. کشی ۵. تل گرگویی ۶. اشکالی

[۹] ارسنجان

۱. ارسنجان ۲. حسین آباد ۳. جمال آباد ۴. خبریز ۵. شوراب ۶. کفر ۷. فشار ۸. کوشک تیماران ۹. جعفرآباد ۱۰. جلودر ۱۱. زیاد آباد ۱۲. کتک ۱۳. صالح آباد ۱۴. قصر کمال

[۱۰] اردکان

۱. اردکان ۲. برغان ۳. برشته ۴. ده پاگاه ۵. باباکیان ۶. قریه علی^۱

[۱۱] آباده طشک

۱. آباده ۲. طشک ۳. ده مورد ۴. خواجه جمالی

[۱۲] بیضا

۱. ملوس جان ۲. کوشک ۳. دورق ۴. مقصود آباد ۵. مبرکه ۶. برازجان ۷. زنجان ۸. تل بیضا ۹. شاه قطب الدین ۱۰. خورمو درستان ۱۱. مبارکه ۱۲. شمس آباد و غیره

[۱۳] برازجان و زیارت

۱. برازجان ۲. خوش آب ۳. خوش مکان ۴. عیسی وند ۵. چاه خانی ۶. سرکره ۷. دره چی نفر ۸. بنداروز ۹. ده قاید ۱۰. بارگاهی ۱۱. لرده ۱۲. احشام جتوت^۲ ۱۳. زیارت ۱۴. بنار ۱۵. صفی آباد ۱۶. کلل ۱۷. کیسکان

[۱۴] بوانات

۱. جیان ۲. صیمکان ۳. خسروان ۴. سوریان ۵. قاضی آباد ۶. شیدان^۳ ۷. بزم ۸. چیر ۹. مریجان ۱۰. آباده ۱۱. مرشدی ۱۲. سروستان ۱۳. سونج ۱۴. منج ۱۵. هرابرجان ۱۶. چاهک ۱۷. تاج آباد ۱۸. فتح آباد

- :
- :
- :

[۱۵] تنگستان

۱. تنگستان ۲. گاینک^۱ ۳. گورگ ۴. دلبار ۵. میمه ۶. عامری ۷. باشی ۸. بارکی ۹. چهل تل ۱۰. باغک و غیره

[۱۶] جهرم

۱. جهرم ۲. قطب‌آباد ۳. باباعرب ۴. سعادت‌آباد ۵. زهرشیر ۶. بدالان و غیره

[۱۷] جویم و بیدشهر

۱. هرم ۲. کوره^۲ ۳. بیدشهر ۴. هیرم ۵. جلار ۶. قلات ۷. ده‌فیش ۸. شهرستان ۹. حسن‌آباد ۱۰. کاریان ۱۱. بلغان ۱۲. ده دامچه و غیره

[۱۸] جره

۱. نرگسی ۲. سبیس ۳. شیب تنگ ۴. کود دهگاه ۵. سیرزجان^۳ ۶. املاک ۷. بالاده ۸. قصرعلی ۹. میدگان ۱۰. جعلقیان و غیره

[۱۹] حومه قصرالدشت

۱. قبله ۲. کشن ۳. ده کره ۴. کته اسپس ۵. خاتونک و لطف‌آباد ۶. عادل‌آباد ۷. جمال‌آباد ۸. قصرقمشه ۹. جویم ۱۰. دو کوهک ۱۱. چهل چشمه ۱۲. انجیره ۱۳. قصر خلیل ۱۴. قصر شهریار ۱۵. دولت‌آباد و غیره

[۲۰] خشت و کمارج

۱. خشت ۲. کمارج ۳. بناف ۴. رودک ۵. بورکی ۶. بنکی ۷. بورکی داغاتی ۸. بیکرزی ۹. جمیله ۱۰. ایجانی و غیره

[۲۱] خورموج

۱. خورموج ۲. عربی ۳. قلعه بردی ۴. آب برده ۵. منقل

[۲۲] خنج

:	-
:	-
:	-

۱. خنچ ۲. سه ده ۳. لاغر ۴. مکو ۵. حمامی ۶. کورده ۷. باغان ۸. زنگان ۹. گرمشت ۱۰. هفت دان ۱۱. جهله

[۲۳] خضر

۱. اسماعیل آباد ۲. آب کوری ۳. خنک ۴. بالاشهر ۵. شهر خفر ۶. باب انار ۷. کراده ۸. سیرزجان ۹. بادنجان ۱۰. بادگان و غیره

[۲۴] خفرک و مرودشت

۱. شمس آباد ۲. اسماعیل آباد ۳. ده چاشت ۴. معصوم آباد ۵. حسین آباد ۶. جرماقی ۷. رشمایجان ۸. سهل آباد ۹. شول ۱۰. سیوند و غیره

[۲۵] خواجه

۱. خواجه ۲. سیرزگان ۳. زنجیران ۴. سفیدو ۵. چوگان ۶. کوشک قاسم ۷. بابا اربان ۸. هنیفکان و غیره.

[۲۶] دشتی

۱. کاکي ۲. باردوله ۳. گزک ۴. حسن حیدری ۵. شهری ۶. کوسه ۷. برم صاد ۸. چاه حسین جمال ۹. طویل ۱۰. کلل و غیره

[۲۷] دارابجرد

۱. قصبه دارابجرد ۲. تاج آباد ۳. میان ده ۴. فتح آباد ۵. بردان ۶. ارم ۷. زیرآب ۸. ده خیرعلیا ۹. ده خیرسفلی ۱۰. نوایجان و غیره

[۲۸] دالکی و زنگنه

۱. دالکی ۲. آباد ۳. سمل ۴. ابوالفریز ۵. گندم ریز ۶. سرکردان ۷. بی‌برا ۸. سرقنات

[۲۹] رامجرد

۱. رامجرد ۲. نصرآباد ۳. منصورآباد ۴. آباد ۵. بارزآباد ۶. فخرآباد ۷. حسن آباد ۸. قاسم آباد ۹. ابراهیم آباد ۱۰. ززاره و غیره

- :
- :
- :

[۳۰] زیراه

۱. زیراه ۲. تل سیرکوه ۳. تل قائل ۴. نظرآقایی ۵. عمویی ۶. سده ۷. محمدآباد ۸. دورودگاه^۱ ۹. احشام جتوت

[۳۱] سیاخ

۱. سیاخ ۲. دارنجان ۳. بدایجان ۴. میشوان ۵. شوراب ۶. دهداری ۷. قنات ۸. خورایجان ۹. کدنج ۱۰. بابا ایور ۱۱. ایور ۱۲. دره ۱۳- همایجان ورشکان

[۳۲] سرچاهان

۱. زیارت ۲. ساغو ۳. خونسار ۴. کلخنگان ۵. حسامی ۶. چنارناز^۲

[۳۳] سروستان

۱. سروستان ۲. برزو^۳ ۳. تنگ ۴. کوسنجان^۴ ۵. کنو ۶. خسروآباد ۷. خیرآباد ۸. حسین آباد ۹. کت جنبد ۱۰. محمدآباد و غیره

[۳۴] سرحد چهاردانگه

۱. ده گردو ۲. اوجان ۳. خسروشیرین ۴. سده ۵. آس پاس ۶. مهجان ۷. حاج آباد ۸. کوشک زرد ۹. شهرمیان ۱۰. نظام آباد و غیره

[۳۵] شبانکاره دشتستان

۱. کهنه ۲. بویری ۳. زکریایی ۴. خره ۵. محمد جمالی ۶. ده داران ۷. شاه فیروز^۵ ۸. شلدان ۹. سرو ۱۰. خلیفه و غیره

[۳۶] صیمکان

۱. کونارویه ۲. کوشک ۳. کراده ۴. نی بادنجان ۵. دوزه ۶. اسفل ۷. سار ۸. زاد ۹. شاغان ۱۰. براق و غیره

- :

- :

- :

- :

-

[۳۷] عباسی

۱. بندرعباس و توابع ۲. شمیل و میناب و توابع

[۳۸] عسلویه

۱. عسلویه ۲. بیدخون ۳. ناهند ۴. نخل تقی ۵. اخند ۶. سروباش^۱ ۷. کوشک فار

[۳۹] فیروزآباد

۱. جادشت ۲. کوشک ۳. ده شیر ۴. سر میدان ۵. ده خلوت ۶. گیلک ۷. خوید ۸. باغشاه ۹. کلیسیان ۱۰. احمدآباد و غیره

[۴۰] فسا

۱. فسا ۲. نوبندگان ۳. صحرانورد ۴. شش ده ۵. محمدآباد ۶. دهویه^۲ ۷. تنگ کرم ۸. کوشک قاضی ۹. نصیرآباد ۱۰. زاهدان و غیره

[۴۱] فراشبند

۱. فراشبند ۲. اسماعیل آباد ۳. گنبد ۴. آویز ۵. برمح

[۴۲] قیروکارزین

۱. فرسک دوان ۲. مبارکآباد ۳. خیرآباد ۴. گوکی ۵. کارزین ۶. کرشول ۷. خانقاه ۸. سرچشمه ۹. قدم ۱۰. مصلی و غیره

[۴۳] قنقری

۱. دلونظر ۲. مشگان ۳. قشلاق ۴. غازیان ۵. خرمی ۶. ده بید ۷. قصر یعقوب ۸. حسینآباد ۹. خورجان ۱۰. فخرآباد ۱۱. کپان ۱۲. باغسیاه

[۴۴] گله‌دار

۱. جوزی^۱ ۲. فال ۳. مهر ۴. سیورغال ۵. سناسیر ۶. ده شیخ ۷. بود ۸. مز ۹. سحرگاه ۱۰. دزگاه و غیره

- :

- :

[۴۵] کازرون

۱. قصبه کازرون ۲. کاسکان ۳. مشتان ۴. مهنجان ۵. بلیان ۶. ابوعلی ۷. پوسکان ۸. الیف ۹. احشام گازرگاه ۱۰. قرشویه و غیره

[۴۶] کنگان

۱. بندرکنگان ۲. بنک ۳. تنبک ۴. میانلو ۵. طاهری ۶. پرک ۷. اختر

[۴۷] کوهمره

۱. ماصرم ۲. شکفت ۳. کره‌گاو ۴. بهاره ۵. مرجان ۶. سنجان ۷. میگلی ۸. کراچ ۹. دودو^۲ ۱۰. بندویه ۱۱. کوزرک ۱۲. رچی^۳ و غیره

[۴۸] کمین

۱. گلیک ۲. بکون ۳. سرینرو ۴. قصرالدشت ۵. دولت‌آباد ۶. اکبرآباد

[۴۹] کربال

۱. هلال‌آباد ۲. کوهک ۳. درنیان^۴ ۴. سفلی ۵. کمجان ۶. گران^۵ ۷. سال بهی ۸. عز‌آباد ۹. موان ۱۰. جلال‌آباد ۱۱. زین‌آباد ۱۲. حسن‌آباد و غیره

[۵۰] کوار

۱. مظفری ۲. قصراحمد ۳. بورکی علیا ۴. بورکی سفلی ۵. دشتک ۶. نوروزان ۷. کوار ۸. محمودآباد ۹. زراد ۱۰. فرود و چغار ۱۱. طسوج ۱۲. باغان و غیره

[۵۱] کوهگیلویه

۱. بهیهان ۲. خیرآباد ۳. قلعه رئیس تفی ۴. چارآسیاب ۵. کردستان ۶. قالد ۷. تنگ تکاپ ۸. دودانگه ۹. کیکاوس ۱۰. طشان ۱۱. گلاب ۱۲. ده‌دشت و غیره

- :
- :
- :
- :
- :

[۵۲] کامفیروز

۱. مهجن آباد ۲. علی آباد ۳. خانیمن ۴. پالنگری ۵. قلعه چغاد ۶. باغ نو ۷. بکان ۸. کودین^۱ ۹. یکیان ۱۰. بیلو ۱۱. مشهد ۱۲. لیرمنجان و غیره

[۵۳] لارستان و سبعه

۱. لار ۲. چاهنر ۳. کهنه خور ۴. مربوط ۵. خوشاب ۶. هرموز ۷. پذیر ۸. کهن ۹. براق ۱۰. لطیفی ۱۱. بریز ۱۲. ده کو و غیره

[۵۴] مائین

۱. مائین ۲. سعادت آباد ۳. کربکان ۴. کندازی ۵. امامزاده اسماعیل

[۵۵] میمند

۱. قصبه میمند ۲. صحرا سفید ۳. ده بالا ۴. شبانکاره

[۵۶] مشهد ام النبی

۱. مرغاب ۲. ده نو ۳. قادرآباد ۴. ابولوردی ۵. مشهد

[۵۷] ممسنی

۱. میل فرز ۲. مال قاید ۳. فرین ۴. چوگ ۵. دشت ۶. میدگان ۷. ده نوب ۸. فهلپان ۹. انجیره ۱۰. گوسنگان ۱۱. زیردو^۲ ۱۲. بوان ۱۳. تنگ رودبان ۱۴. مشایخ

[۵۸] چهارطایفه

۱. رستم ۲. بکش ۳. دشمن زیاری ۴. جاوی^۳ این طوایف اربعه تخمیناً پنج هزار خانواده است.

[۵۹] نیریز

۱. رستاق ۲. ده چاه ۳. سیف آباد ۴. مشکوه ۵. غوری ۶. بشنه ۷. سرگذار ۸. لای گردو ۹. شکویه ۱۰. مروارید ۱۱. رودخور

- :

- :

- : () :

ذکر خلیج العجم و جزایر واقعہ در این یم

۱. بحرین ۲. خارگ ۳. خارگو ۴. هرموز ۵. قشم ۶. قیس ۷. ام‌السلام ۸. جزیره العشنم ۹. جزیره فیلم
۱۰. ابوشعیب ۱۱. ابوموسی ۱۲. شطرا ۱۳. توقیع ۱۴. فرور ۱۵. هندرابی ۱۶. هنجام ۱۷. ابیض ۱۸. ام‌الکرم
۱۹. ام‌النخیلہ ۲۰. ام‌الحطب ۲۱. ابوعلی ۲۲. ابوسعفہ ۲۳. دمام ۲۴. دلمہ ۲۵. حالول ۲۶. عوبی ۲۷. فارس
۲۸. قرنین ۲۹. قرین ۳۰. قرآن و چند جزیرہ کوچک است.

پی نوشت

۱. حاجی میرزا حسن فسایی، فارسنامه ناصری، تهران: افست از روی چاپ سنگی توسط کتابخانه سنایی، [۱۳۱۴ ه.ق.] ص ۱۵۵.
۲. همان، ص ۲۰۷-۲۰۸.
۳. همان، ص ۷۹.
۴. حاجی محمدجعفر الحسینی خورموجی، آثار جعفری، تهران. ۱۲۷۶ ه.ق. (چاپ سنگی)
۵. همان (چاپ سنگی)
۶. حاجی محمدجعفر الحسینی خورموجی، حقایق الاخبار ناصری، به کوشش حسین خدیو جم. تهران: نشرنی، ۱۳۶۳ ص. ۳۱۵-۳۱۶.
۷. سید محمد نصیر حسینی. آثار العجم. به کوشش علی دهباشی. تهران: انتشارات یساولی «فرهنگسرا»، ۱۳۶۲، ص ۵۴۲.
۸. فضل الله زهرایی، «حاجی میرزا جعفرخان حقایق نگار خورموجی» یغما. سال ۱۷ (۱۳۴۳) شماره ۹، ص ۴۳۱.
۹. حقایق الاخبار ناصری، ص ۳۱۶.
۱۰. همان، ص ۲ و ۲۷۶.
۱۱. حقایق الاخبار ناصری، ص ۳۱۷.
۱۲. همان، ص ۳۱۶.
۱۳. همان، ص ۳۱۷.
۱۴. آثار جعفری. (چاپ سنگی).
۱۵. حقایق الاخبار ناصری، ص ۱۰۳.
۱۶. آثار العجم، ص ۵۴۲.
۱۷. مهدی بامداد، شرح حال رجال ایران در قرون ۱۲ و ۱۳ و ۱۴ هجری، تهران: زوار. ج ۵، ص ۲۲۲.